

اسطوره و ستایشگری

(جستاری در کاربرد اساطیر و روایات داستانی در شعر خاقانی، مجیر و فلکی)

نویسنده:

دکتر رضا صادقی، شهپر

سمیه نوش آبادی

انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

۱۳۹۴

سرشناسه

: صادقی شهر، رضا، ۱۳۵۷-

عنوان و نام پدیدآور : اسطوره و ستایشگری: جستاری در کارکرد اساطیر و روایات داستانی در شعر خاقانی،

مجیر و فلکی

مشخصات نشر

: همدان: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری

: ۲۱۸ص.

شابک

: ۹۷۸-۹۶۴۱-۰۳۵۰-۶-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیپای مختصر

یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

یادداشت

: کتابنامه.

شناسه افزوده

: نوش آبادی، سمیه، ۱۳۶۰-

شناسه افزوده

: دانشگاه آزاد اسلامی. واحد همدان

شماره کتابشناسی ملی

: ۳۸۰۵۲۱

ناشر : انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

چاپ اول: ۱۳۹۴

صحافی: سبحان

چاپ: تندیس

طرح جلد: دکتر حسین اردلانی

صفحه آرا: سمیه نوش آبادی

شمارگان: ۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴۱-۰۳۵۰-۶-۰

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

پیشگفتار..... ۹

فصل اول: اسطوره/ سبک آذربایجانی

اسطوره..... ۱۴

تعریف اسطوره..... ۱۵

اساطیر ایرانی..... ۱۷

اساطیر غنایی..... ۲۱

اساطیر حماسی..... ۲۲

اساطیر سامی..... ۲۳

اساطیر و داستان‌های اسلامی..... ۲۴

سبک آذربایجانی..... ۲۵

ویژگی‌های شعر سبک آذربایجانی..... ۲۷

مجیرالدین بیلقانی..... ۳۱

خاقانی..... ۳۳

۳۶.....فلکی شروانی

فصل دوم:

بازتاب اساطیر و داستان‌های ایرانی و اسلامی و سامی در شعر خاقانی، مجیر و فلکی

۴۱.....اساطیر و داستان‌های ایرانی

۴۱.....آرش

۴۳.....اسفندیار

۴۷.....بیژن

۵۱.....جمشید

۶۱.....خسرو (فرهاد) و شیرین

۶۳.....رستم

۷۵.....رستم و افراسیاب

۷۷.....زال و سیمرغ

۸۶.....سیاوش

۸۹.....ضحاک - فریدون - کاوه

۹۷.....کیخسرو

۱۰۱	کیقباد
۱۰۴	داستان‌ها، روایات و اساطیر سامی و اسلامی
۱۰۴	آدم (ع)
۱۱۱	ابراهیم (ع)
۱۱۸	خضر (ع)
۱۲۹	دجال
۱۳۴	سلیمان (ع)
۱۴۵	عیسی (ع) و مریم (ع)
۱۶۳	کعبه
۱۶۹	موسی (ع)
۱۸۱	نوح (ع)
۱۸۹	یوسف (ع)

فصل سوم: نتیجه‌گیری

۲۰۷	نتیجه‌گیری
۲۱۵	منابع

پیشگفتار

شعر سبک آذربایجانی، شعری است که در منطقه آذربایجان در قرن ششم هجری بالیده و سبک شاعران حوزه شمال غربی ایران یعنی منطقه اران و آذربایجان بوده است و شاعران بزرگی چون خاقانی، نظامی، ابوالعلائی گنجوی، مجیر بیلقانی و فلکی شروانی از آنجا برخاسته‌اند. آنچه باعث شده که از شعر این شاعران در تاریخ ادبیات ایران با نام سبک آذربایجانی یاد شود، شیوه متفاوت سخنوری آن‌ها، به‌ویژه خاقانی و نظامی است که تا حدود زیادی با سبک پیش از خود؛ یعنی سبک خراسانی، و سبک پس از خود؛ یعنی سبک عراقی، متفاوت است. این تفاوت، هم در نوع نگاه و جهان‌بینی این شاعران و هم در زبان شعری و تصویری و بلاغی آنان، به‌وضوح قابل مشاهده است و دکتر شفیع کدکنی در مقاله «نکته‌های نویافته دربارهٔ خاقانی»^۱ همین جنبهٔ تصویری زبان شعر خاقانی نظر دارد که می‌گوید: «اگر بپذیریم که شعر، رساله‌ای از کلمات است و هنر شاعر، نوعی آشنایی‌زدایی از زبان است، خاقانی شروانی، یکی از بزرگ‌ترین شاعران جهان به حساب می‌آید. بی‌گمان خاقانی یکی از شگفتی‌های ادبیات ایران است.» (شفیع کدکنی، ۱۳۸۱: ۱)

بهره‌گیری شاعران ایرانی از داستان‌ها و اساطیر ایرانی و قصه‌ها و عناصر اسلامی و سامی در ساختن تصاویر و مضامین شعری از آغاز شعر فارسی متداول بوده است. این موضوع در میان شاعران سبک آذربایجانی هم نمود بارزی دارد؛ و به‌ویژه در شعر خاقانی و مجیر بیلقانی و فلکی شروانی. از یک سو در قرن ششم هجری، به سبب غلبهٔ روحیهٔ دینی و مذهبی، بازتاب عناصر اسلامی در شعر این شاعران بسیار گسترده است و کعبه‌ستایی‌های خاقانی تأییدی بر این مدعاست. در کنار این‌ها، اشارات این شاعران به عناصر و اساطیر

ایرانی هم جایگاه ویژه‌ای دارد و البته گاهی ابراز مخالفت با این عناصر هم در شعرشان دیده می‌شود؛ از سوی دیگر به دلیل محیط جغرافیایی و محل سکونت این شاعران و وجود پیروان آیین مسیح، اشاراتی به باورهای این آیین در شعرشان دیده می‌شود. همچنین خاقانی و مجیر، به دلیل مسیحی بودن مادرشان، آشنایی بیشتر و ویژه‌ای با آیین مسیحیت داشته‌اند چنانکه مجیر می‌گوید:

طفلان طبع من به سفت ثروت چهره‌اند وین طرفه‌تر که ارمنی‌یی بود مادرم

(مجیر بیلقانی، ۱۳۵۸: ۱۴۰)

همین‌گونه عوامل، باعث شده است که این شاعران اشارات متعدّد و فراوانی به باورهای مسیحی داشته باشند و خاقانی حتّی نصیحت ترسانیه دارد و در آن به تفصیل از این آیین سخن گفته است.

اما نکته و مسئله اساسی و مهم درباره ظهور و نمود این گونه باورها در شعر خاقانی، مجیر بیلقانی و فلکی شروانی، تصویرها و مضامین بکر و بدیع است که با عناصر و اساطیر ایرانی و اسلامی آفریده‌اند. این شاعران در تصویرسازی‌های سری و بلاغی خود، در ستایش مدوح، گاه او را به شخصیت‌های اساطیری نژاد ایرانی و عناصر اسلامی تشبیه می‌کنند و گاهی مدوح را بر آن‌ها برتری می‌دهند و به خوارداشتن آن‌ها می‌پردازند. اگرچه بنابر دلایل متعدد و مشخص، کوچک شمردن اساطیر ایرانی در شعر شاعران پس از دوره سامانی، امری طبیعی و عادی است اما چنین برخوردی با عناصر اسلامی و دینی بسیار دور

از هنجار است. شاید مهم‌ترین دلیل این کار را بتوان در مقاصد مدحی جست که شاعر برای آنکه ممدوح و مخاطب مالی و سیاسی خود را اقناع کند و یا مخاطبان هنری خویش را مرعوب قدرت سخنوری و ظرافت‌های شعری خود سازد از هر وسیله‌ای بهره می‌گیرد و در این راه، نه تنها گاه به خوارداشتن اساطیر ایرانی می‌پردازد، حتی در مواردی باورهای دینی-اش را هم فراموش می‌کند و به خوارداشتن عناصر اسلامی و مذهبی می‌پردازد؛ مانند این دو بیت از خاقانی:

گر ز عجا کعبه را رخصت آمدن بود در حرم خدایگان کعبه کند مجاوری

(خاقانی، ۱۳۷۵: ۵۹۰)

گر حج و عمره کرده‌ای ز کعبه هروان ما حج و عمره می‌کنیم از در خسرو سری

(همان، ۶۰۰)

این پژوهش در پی بررسی چگونگی استفاده از اساطیر و قصص ایرانی و اسلامی و سامی در شعر خاقانی، مجیر و فلکی و پیوندشان با مقاصد مدحی شاعر و نقش آن‌ها در تصویرسازی‌های هنری است.